نگاه منتقد



دیگران



جایی برای پیرمردهانیست!

در سال ۱۹۶۷ کانادا برای حنف تبعیض و تعصب نــزادی از پروســه پذیرش مهاجــران راهی ابداع کرد. سیســتم امتیازدهی، نژاد و کشــور اصلی بینج فرسید مهامینودهی در دو حسور وطنی درخواست دهنده را که تأث زمان بهطور حتم یاید مشید پوست باشد - نادیده می گرفت در عوض تحصیلات، مهارت در زبان آنگلیسی و فرانسه و تجربیات کاری امتیازات بالایی داشت، با این تغییره آسیایی هاجای اروپایی ها را به عنوان گروه غالب مهاحران گرفتند

قــراردادُن معيـــار اجـــازه ورود به كانادا براســـاس شایستگی، نه براساس مقررات خشک و دیوان سالار ان ایدهای رویایی بُود. چند کشُ استرالیا، نیوزیلند و سـنگاپور از سیستم امتیازدهی سادا پیسروی کردند. در اروپا، حتی سیاستمداران مخالف بامهاجرت «بدون کنترل» زبان به تحسین روش/نتخابی کاناداگشودند.

ص ... در مقایسه با دیگر کشورها، کانادا هنوز هم شرایط بتا درک می کند. حزب محافظه کار مهاجران رانس بر کران در برد کرد. حاکم بر کانادابه احتمال تنها حزب دست راستی در دنیای غرب است که طرفدار چنین قانونی است. زمانی که کشورهای اروپایی دنبال راههایی برای بستن درهایشان هستند و آمریکا به فکر این است که چه ترداد از مهاجران غیرقانونی رااز کشورش اخراج کند، این اواخر کانسادا تصمیم گرفته تعداد اقامت دایمی را از ۲۶۵هزار نفر در سال به ۲۸۵هزار نفر افزایش دهد. کُریس الکُساندُر،وزیر مهاجرت می گوید که وقتی این موضوع در ماه اکتبر اعلام شد، منتظر واکنشهای بنجالی بود ولی چنین اتفاقی هر گزنیفتاد. او ر ر کی پ تی همردم فکر می کردند که این درست ترین است». اما سیاستهای کانسادا در حال تغییر است از زمان برنده شدن در انتخابات ۲۰۰۶، محافظه کاران'، سیاست اجازه ورود به مردم براساس مهارتهای تحصیلی را به پذیرش افرادبا پیشنهاد کار تغییر دادند. در اول ژانویه دولت از این هم فراتر رفت. شیوه جدید سیستم ورود سریع (Express Entry System اهمیت داشتن پیشنهاد کار برای افراد با درخواست اقامت دایمرابسیار افزایش داد.

در شیوه جدید، کانادا بیشیتر دنبال کننده است ناهدایت کننده. نیوزیلند در سال ۲۰۰۳ و استرالیا در ســال ۲۰۰۹ برتری را بــه افراد دارای پیشــنهاد ر شخل دادند. این تغییر قابل درک است اما منتقدان آن نگران تغییر سیاستهای مبتنی سر ارزشهای ـــــــهروندی بهســـمت سیاســـتها و منطق کنترل ده تجاری هســـتند. کانادا سیســـتم را نسبت با ر کالاهبرداری و تبعیض آسیبپذیر می کند بهرغم داشتن سیاستهای باز تر نسبت به سایر احزاب راست، حزب محافظه کار کانادا نسبت به صدور اجازه ورود به پناهندگان و اعضای خانواده مهاجران به سرسختی

سیاست امتیاز دهی اولیه اشکالاتی داشت. در سیاست امیراردهی اولیه استخاد ای دانست در گیتهای ورودی هیچ تبعیضی مهاجران را تهدید نمی کر دولی وقتی سعی می کردند شغلی پیدا کننده در دام آن گرفتار می شدند کارفرماها غالبه مهار تهاو تحصیلاتی که خارج از کانادابهویژه خارج از اروپاکسب شده باشدرابه رسمیت نمی شناختند. سرنوشت پزشکان به تاکسیرانی ختم می شد و معماران به پر کارهای سخت در فروشگاههای رفاه روی می آوردند. درصد بیکاری بین مهاجران حدود ۵۰درصد بالاتر از کارگرانمتولدکاناداست.

بهای کارفرما محور (Employer-Led) تمایل دارندبرخی از این مشکلات را تصحیح کنند آنها ناهمگونی بین مشاغل موجود و مهارتهای مهاجران را کاهش می دهند و آنها را به اقامت در خارج از شهرهای بزرگی مثل تورنتو، ونکوور و مونترال تشــویق می کنند مادلین سامشین، رئیس دیدهبان مهاجرت دانشــگاه آکسـفورد می گوید: «از دیدگاه اقتصادی، اگر به این که مهاجــران چگونه رفتوآمد

كنند اهميت بدهيد يعنى اين سيستم كار فرمامحور

یستمخوبیاست.» اولین تلاش محافظه کاران برای این کار موفق نبود. دولت سعی کر د باافزایش تعداد کار گران خارجی از طریق دادن اجازه کار موقت، رضایت کارفرماها را برین سن بسرد کترون کلی، مدیر موسسهای که تجارتهای کوچک کانسادا را نمایندگی می کند، می گوید: «تنها راه انجام شغلهای سطح پایین یا نیمه ماهری که کانادایی هامایل به انجامشان نیستند، پذیرفتن کار گران موقت است؛ درخواست دهندگان قَّامَـُت دایمی تحصیلات بسیار بالایی داشتند و نمی شد آنها را در این مشاغل بـه کار گرفت، در این زمینه شکایاتی هم بصود. علاوه بر تبعیض میان مهاجــران، كارفرماها يــا را فراتر گذاشــته و أنها رابا مهه جـــران، دارفرماها پـــا را فرادر ددانســـــّه و انها را با دستمزد پایین تری استخدام می کردند.» یک بانک ۶۰ کار گر فناوری اطلاعات را از کار بیکار کرد و با یک شرکتُ کاریابی برای جایگزین کردن آنان با کار گرهای خارجی ارزان قرارداد بست. صدور ویزا برای «رقاصان رری ۱۰۰ ستفان هارپر، نخست وزیر را که مسیحی پروتستان است، شرمسار کردواز ژوئن گذشته، دولت صدور ویزای کار موقت را به شدت محده دک ۸

صورویرای در خوت به Express Entry) روش دوم است، ورود سسریع (Express Entry) روش دوم است، بالاترین امتیاز این بخش که شامل مهاجران اقتصادی به درین سنیر رین بسس د سنس به بران سند. است، ۱۲۰۰ امتیاز اســت و نیمی از امتیاز به کسانی تعلق می گیرد که پیشــنهاد کاری داشته باشند یا در یکی از برنامهٔ های مهاجرت ایالتی کانادا که در رابطه با پستهای خالی مختلف است، نام نویسی کرده باشند. کسانی که بیشترین امتیاز را داشته باشند، سریعا برای پر کردن فرم اقامت دایم زیر نظر یکی از ۳برنامه مهاجرت اقتصادی دعوت می شــوند. بقی ۳ . . . گروهی قرار می گیرند که دولت و درنهایت کارفرمایان می تواننداز بین آنهاانتخاب کنند. بااین حال، کار گران ماهربایدحداقل ۱۰۰ امتیاز راکسب کنندتاتشریفات قانوني أنجام شود.الكساندر مي گويد: ، در جُذب مهندسان، متخصصان فناوري اطلاعات و

۔ این تغییرات در راســتای حل مشــکلات پیشی است و دولت برای نیل به آن از متقاضیان میخواهد پیشاپیش از مورد قبول بودن مدار کشان در طمینان حاصل کنند همچنین کارفرمایان را وامیدارد که قبل از فرستادن فرم پیشنهاد کار برای متقاضیان مهاجرت، ثابت کنند که برای مشاغل مورد

نظرشان هیچ شهروند کانادایی درخواست نداده است. برنامه جدید، سن متقاضیان اقامت کانادار اپایین آورده است: درخواست کنندگان ۲۰ تا ۳۰ ساله، به دلیل خود، بالاترین امتیاز را کسب می کنند. مهاجر ســن خود، بالاترین امتیاز را کسب می کنند. مهاجر رویایی جدید کانادا جوان تر است، چند زبان می داند، بت به مسن ترها در کانادا ره یکی با سیار زقبل مدت طولانی تری نسبت به مسن ترها در کانادا کار کرده است و بر خلاف مسن ترها پیشنهاد شغلی یشتری دارد. یکی از وزرای سیابق، محافظه کاران ... رای را یکی در اردن ... را به خاطر تبدیل اداره مهاجرت به یکی از بزرگترین آژانس های نیروی کارستایش کرد.

ر این این در خوشـحال نیســتند جفــری ریتز از دانشــگاه تورنتو میگویــد: «این تغییــرات به مثابه فیردولتی کردن سیاست مهاجرت است و می تواند اعث برقراری دوباره تبعیض شود، سیستم امتیازدهی با همه کاستیهایشان، ارزشهایی داشت.» براساس ررسسی اداره مهاجرت افسسران ویزااز این که نفوذ كارفرماهايي هستندكه اصلاوجود خارجي ندارند وشغل های غیرواقعی را به خانواده و دوستان افراد مقیم مرف می کنند. مهاجرانی که برای مدت مشخصی نراختیار یک کارفرما هستند، ممکن است مورد سو،استفاده قرار گیرند. برخلاف سیستم امتیاز دهی قدیم که برای هُر نژادُ و ملیتی یکســان بود، حدید این امکان را برای کارفرمایان ایجاد می کند که از راههای مختلف که کشف آن بسیار سخت است، س ر. افراد تمایز قایل شـوند براساس مطالعه منتشر شده در سال ۲۰۱۱، کارفرمایان انگلیسی زبان در تورنتو،

مونترال و ونکوور، متقاضیان کاری که اسمهایشان كارگران بخش سلامت كه كانادابه آنهانياز دارد، كمك

پناهجویان و افراد مُسن تری که می خواهند به خانواده شان در کانادا بپیوندند، مشکل تر کرده است. ستمامتیاز دهی قدیم، برای متقاضیانی که افراد خانوادهشان در کانادا ساکن بودند، امتیازاتی قایل خانوادهشان در دانداست س بو رقی ... می شدهد. می شد داند سیستم جدید چنین امتیازی نمی دهد. جیسون کنی که قبل از الکساندر، وزیر مهاجرت ۰۰. بود، پذیرش پناهجویانی که به نظر او از بخ و سخاوت کانادا سوءاستفاده می کردند را سخت تر . گرد. دادگاهی در کانادانیز کم کردن بوُدجهُ بهداشتی پناهجویان توسط او را خشن و غیر قانونی دانست ولی

الکساندر، وزیر مهاجرت کنونی نیز به دلیل پذیرش فقط ۱۳۰۰ پناهجواز سوریه در سال ۲۰۱۴ به شدت موردانتقاداست. وی اصرار دارد که با توجه به جمعیت مورداسته استه و خود را در این زمینه پذیرفته اند. کانادا، آنها سهم خود را در این زمینه پذیرفته اند. در حال حاضر حدود ۲۴۰۰ پناهجوی سوری در کانادا هستند و دولت قول داده است که در ۳سال آینده

ونست: (Express Entry System): از ژانویه ۲۰۱۵ اداره مهاجرت و

نظرانگلیسی می آیدراترجیح می دهند. گرایش محافظه کاران به کار فرمایان، کار را برای

دولت درمقابل رأى دادگاه موضع گرفته و خواستار

۱۰ هزار نفر دیگر رانیز بپذیرد. الکساندر با غرور می گوید: «کانادایی های جدید ------سر بـ سرور می نویند. "حاناندایی های جدید جوان تر هستند و نسبت به قبل تحصیلات بهتری دارنــد.» او همچنین می گوید: «تعــداد مهاجراتی که مدرک تحصیلی دبیرستان دارند، بسیار بیشتر از کل جمعیت کاناداییهاست» این علامت خوبی برای آینده کاناداست، اما آرمان گرایی گذشته درحال رنگ باختن

شهروندی گالحاسیستم جدیدالکترونیکی بهنام سیستم ورود سریع را ایجاد کرده که تقاضاهای اقامت دایم تحت برنامههای مهاجرت اقتصادی خاص رامدیریت می کند.سیستم ورود سریع اولین گامپرای مهاجرت به کاناداست.

تغییر ابلاغ برای معاونت هنوز باید بهسـختی

ازنابرابریهای آموزشی



. نلاس من. در دفتر نشستهام و بر گههای بچهها رااصلاح می کنیم. باد ملایمی از پنجره می وزد و پردههای عمودی و پارهشده را تکان می دهد، دو معاون جوان باانبوهی از پوشههای آبی و فرم و یک کازیه پر پشتمیز کوچکی نشستهاندوآرام حرف می زنند و گاه می خندند؛ خانمی همراه

دخترش واردمی شود. بـرای ثبتنام کلاس اول آمـدهام معاون، بری بیستم درساره شناسنامه، کارتملی والدین و دفتر چهسلامت کودک را چـک می کند و می گویـد: خب در کلاسهوشمند ثبتنام می کنی یا معمولی؟ كلاسهوُشمند هزينهاش بين ۵۰ تا صد تومان است و کلاس معمولی رایسگان! مادر روس سست و نمان سعوری رایست بعدر با ناباساوری و نگاهی گیج به اطراف می نگرده نگاهش با نگاهم تلاقی می کند، چه فرقی بین هوشمند و معمولی هست؟ معاون جوان که خـود به تازگی از مقطع راهنمایی به ابتدایی حدود بده رخی رسیسی رسید آمده و خیلی دل خوشی از ابتدایی های معلم و دانش آموز ندار دوبی شک اطلاعاتش از ابتدایی به زمان تُحُصيلُ خودش بازمی گردد، می گوید

ر کلاس هوشــمندمجهز به رایانه اســت و معلــم برای ت و معلـــم برای تدریس از فیلم و نرمافزار ری کر تا ۱۳۰۰ در از از ۱۳۰۰ در ازه استفاده می کنید، تیازه معلمان کلاس هوشیمند هم توانمندترند و دُورههای خاصی دیدهاند...

مادر به فرزندش که با كنجــُكاوي، صندليَهـا و کمدهای شـلوغ و نامرتب دفتــر را ورانــداز می کند و هنوز دســتش در دسـ اوست، تلنگری می زند و می گویسد: آن قدر وول نزن! شسوهرم یسک کارگر سساده است و نصف سال ت و نصفسال بیکار!معـاونباُبیاعتنایی می گوید: با شوهرت مشورت کن وقبل از مهرماه

اطلاع بده. كلاسهايمان را تجسم كُردم. حياط كوچك که بهقول بچهها بهانسدازه یک از جلو نظام هم جانداریسم، ۱۸۵۰دانش آموز در یک شیفت و فقط ۷ دستشویی و فاقد کتابخانه، آزمایشگاه و رسیار نمازخانه بزرگ جادار و زیرزمین یک هنرستان قدیمی با ۱۰ کلاس اول و یک کلاس دوم. یی نــور و تهویه بدون تخته ســیاه مناســب و خط کشی و دری که بســته شود و حتی بدون نیمکتهای مناسب با جمعیت ۴۰ دانش آموز ر ... مداهــای بی پایــان... در ســ ديوانه خانهای که همه جيغ می زنند، حالا قرار

یود سامی ستهوشمندشود. زنگ آخر کـه میخورد بهسـختی از میان جمعیتی که گویی از حصار وزندان آزاد شدهاند ت بيرون ميروم. يكُربع بعد، سرويس لکنته معلمها از راه میرسد. همکاران مدرسه مجاور نیز با کمی تأخیر سوار می شوند. بوی سبور سربه سی تیر سور سی سربی دود سیگار و روغن و بنزین و هرم گرمایی که بیرون می آید،عدهای رابه شکایت وادار می کند، آن هم از ترس، زیر لب. دوست و همکارم که کنارم نشسته اُز مُن می پُرسد: شُعر یا آهُنگی برای جشنالفبا نداری؟ مدرسه آنها تازمساز اُست و مثل ما پر جُمعیت و امسال به هُمتُ مدیر جوان و پرکارشان ۱۷ کُلاس را هوشمند كردهاند حتى دومدرسه نزديك بههم نيز از نظر امكانات شبيه به يكديگر نيستنداز اومي پرسم به نظرت چه نابرابری هایی در آموزش و پرورش هست؟ صدایی از صندلی پشتی می گوید: از این نابرابری واضح تر که من از گوهردشت اعت زودتر راه مے افتح و دوساعت دیر تر به خانه می رسم اتوی این ترافیک کور ۴ ساعت وقتم تلف می شود همکارم ساک پری را بالا *بی*آورد، نابرابری یعنی باربری! مدرسه ما هیچ ی رور گهای را کپی نمی کند و خودم باید بر گهها را تا خانه ببرم و بیاورم. همکار مقطع راهنمایی که تازه سُوار سُسرویُس شده می گوید: نابرابری یعنی همسطح یا نزدیک به هم نبودن دو معلم در مدرسه. معلم پسُرم آموزشیار نُهضت در سن بالا اســتخدام شــده و هفتهای ده و هفتهای یک با دو روز بیمار اسـت و نمی توانــد کلاس|ولیها ر ااداره کنند در کلاس کنناری اش معلمی با مدرک کارشناسی ارشدومدرس ضمن خدمت باتجربه و علاقهمند به کار. همکار باسنابقهام دلی جلونشستهٔ ســرشٌ را به عقب برمى گرداندومى گويد:نابرابرى يعنى امثال من! ر کی ر کری ر کری رہے۔ که باوجود بیماری ومشکلات حنجرہ و توصیه پزشک به تغییر کار و مراجعه های مکرر جهت

ر ب. ۳۰ به انتهای فاز ۳ کـه می رسیم، همکاران روستانیز سوار سرویس می شوند همکاره خسته و رنگ پریده به سختی کنار صندلی من می نشیند، او هم وارد بحثمان می شود. روستا و مشکلات همیشگی اش. بی سوادی اولیا،

و امکانات ناکافی و عدمنظارت

معلمان گاه کمتجربه و تازه کار و سرباز معلمها و امکانات ناکافی و عدم نظارت باعث می شدود دانش آموزن مستعد و برخوردار بجد به متاطق آموزشی برخوردار باعمالکر دمطلوب شوند همکار دیگرمان که فرزندش در مدرسای خاص در کرج درس می خواند ده می گوید: نابرایسری در فضاهای آموزشیی، سسرویس پیمانشی و دستشه بری استاندارد از داریایدگاه، کامید قدارت می اعداد می داده در این در

كتابخانه،استخر،سالنهاى ورزشى واردوهاى مرتبط بادرس و ســرگرم کننده، فعالیہ پرورشی جذاب و موثر و مشاوره و کلاسهای جبرانی و تقویتی که قابل قیاس با مدارس این کودک بازیگوش همکار پیش دبستانی ام مرااز ر برای در این در ای هر آنچه داخل سرویس می شنوی و می بینی، صحنه ای از واقعیت های زندگی معلمهاست که در حرف ها، خیرهشدن ها، خندهها، چرتزدنها، آه کشیدنها، گله کردنها و گاه خشــمها و حتی دعواهای کودکانشان در سرویس شاهدآن هستیم. به ایستگاه می ر س پاهاًيم ذق ذق مي كند، حرف هاو نظرات در سرم دور میزند و در این میان به خانه که میرس همُكلاسي سُابقُم كه الآن در شهر كرج مشُغول است، تماس مي گيرد. خوشــحال و سرزنده . حال و سرزنده ، سُاانگُسَ: ما: تَعَسَدادُ کِم

دانش آموزان ششم امسالش كشورهابايددرصددايجاد می گوید و مشارکت خانوادههای آنهادر کمک به مدرسه و کیفیت آموزشی، فرصتهایبرابردسترسی همگانبهنظام آموزشیو تربيتي باكيفيت بالاباشند سطح سواد بالاى خانوادهها راكه يكىازمو ثرترين راههای تحقق عدالت اجتماعی قصهمکرر نابرابری در حقوق و مزایا و اُرتقاء، نابرابری در وكاهشنابرابرىاجتماعى، برقرارىفرصتهاى بكسان بهرممندی از فرصتهای موزشی، نابرابسری در بیشسرفت تحصیلی و برای دسترسی همگان است. بی شکنابرابری در آموزشو نابرابری در تخصیص منابع پرورشازاهميتوحى بالاییبرخورداراست؛زیرا نابرابریقاعدتاضدانگیزهاست ی کشــورها بایــد درصدد ومنشأبسياري إزمشكلات

نابرابرى هاى شغلى، اجتماعى

واقتصادي.

ایجاد فرصتهای برابر دسترسی همگان بهنظام أموزشى وتربيتى باكيفيت رر کار رہی گا۔ بالاباشند چراکے یکی از موثرترین راہھای تحقق عدالت جتماعي وكاهش

برای دسترسی همگان اُست بیشک نابرابری در آموزش و پرورش از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است؛ زیرا نابرابری قاعدتا ضدانگیزه است و منشأ بسیاری از مشکلات و دیربری دی مستقی، جست کی و مستقی هرچند نابرابسری جزو جدانشدنی آموزش و پرورش است و نمی تسوان آن را بهطور ذاتی مطلوب یانامطلوب از ریابی کرداستادبالادستی آموزش و پرورش نیـــز بهصراحت از هدفهای کلان گســـترش و تأمین همهجانبــه عدالت می سرسی و سیست بدیک مانکه آموزشی و تربیتی و بهرممندی هوشمندانه از فناوریهای نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی سخن گفته است. همچنین تأکید ر باریبر تنوعبخشیبهمحیطهای یادگیری از غنی ســازی واحد اطلاعات و منابع آموزشی در سطح مدرسه مثل کتابخانه، آزمایشگاه و کارگاه تا ایجاد موزهها و نمایشگاههای علوم و فناوری و بهرممندگی از روشهای فعال و خُلاق و تعالی بخش بهمنظور توانمندی دانش آموزان بُرای تفکر خلاق، نقَاد، سازنده و اثر گذار و سودمندبه حال خود و جامعه است.

نابرابریاجتماعی،برقراریفرصتهاییهٔ

. حال باید پرسیید، در مناطقی مهاجرپذیر وع فرهنگـــی و زبانی آیا جم با نشوع فرهنگی و زبانی ایا جمعیت زیاد دانش آموزی، معلمان دوشیفت و اغلب خسته و بی انگیت زه و گاه دورهندیشده و کمتجرب، با رشتنمهای غیرمرتبط با تدریس، هشکلات فرهنگی و خانوادگی والدین از قبیل بیسوادی، طلاق، اعتیاد، بیکاری و رو زمان کم آموزش و همچنین شیفتهای گردشی و عدمبازدهی شیفت به عدار ظهر می تواند به عدالت آموزشی

سیعت بعد عهر هی تواند به هداند انداز تأکیدشده در سند تحول بینجامد؟ در ادامه باید گفت، کلاسهای پرجمعیت به اجبار اغلب با روش های معلم محور و دیکتاتوری اداره می شود کسه البت با این ... رازگ را به در کار گروهیی و پرورش مهارتهای زندگی و تفکر بهوادی فراموشیی سپرده شده و هر روز از اهداف موردنظر دور تر پر میشویم و پیامدناخواسته این نابرابری، تربیت شهروندانی فاقد تفکر و تعلق بهوطن، ناراضی و طلْبکُار از خانواده و جاُمُعـه و گریزان از قَانون و ارزشهاست که خود تهدیدی برای آینده این

مى: و يوم است.

برروبوم...... سوالات بســـياری از نحوه توزيع منابع مالی برايم.بی پاسخ مانده که شايسته بود در پژوهش عملی و میدانی با در نظر گرفتن همه متغیرها و نمونه گیری و روشهای جمع آوری اطلاعات ه أن ياسـخى علمى داد. أيا تخصيص منابع متفاوت است یا همسان؟ آیا در تخصیص منابع مالی به برخورداری و نابرخورداری منطقه توجه مىشود؟آياارتباطى بين ميزان تخصيص منابع باشاخص هاى كيفيت عملكر دوجود دارد؟

